



A comparative study of writers' characteristics and conditions in *Adab al-Kuttab* by al-Suli and *Chahar Maqale* by Nezami

Hamid Aghajani ¹ | Fatemeh Karimi ²

1. Corresponding Author, Assistant Professor at the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. E-mail: hamid.aghajani@msrt.ir
2. Ph.D. student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: f.karimi@ltr.basu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 20 May 2023
Received in revised form:
02 August 2023
Accepted: 08 August
2023

Keywords:

Adab al-Kuttab,
Abu Bakr al-Souli,
Chahar Maqala,
Nezami Arouzi,
Comparative literature.

ABSTRACT

The political and social conditions of different countries have always been referred to as the two dominant arteries in transmitting culture and literature to their respective lands. In the Islamic era, the influence of Arab-Islamic political institutions on the borders of Iran has led to the influence of politics, culture, and literature in the two addressed countries and the emergence of educated scholars and writers who were distinguished with respect to their own ways. Nezami Arouzi and Abu Bakr al-Suli can be mentioned among the distinguished writers in Persian and Arabic literature. Nezami, who is renowned as one of the most famous writers in Persian literature, has had an attempt to present the duties of four important categories in the political apparatus of the government in an article. One of these categories is concerned with the writer, and more specifically, his conditions and characteristics. Precisely, as it has been noted out by al-suli in *adab al-kotab* has paid a great deal of attention to the duties of the teacher within the political system. Furthermore, multiple common features can be found in al-suli's work with that of Nezami. However, this does not mean that the two authors have been influenced by each other. Perhaps the impact of culture of the two poets in their respective lands has given rise to similarities in their teachings, which can be studied and investigated in addition to the differences between them. Accordingly, this research attempted to criticize and compare them from a comparative perspective so as to know the similarities and differences between these two works.

Cite this article: Aghajani, H., Karimi, F. (2024). A comparative study of writers' characteristics and conditions in *Adab al-Kuttab* by al-Suli and *Chahar Maqale* by Nezami. *Research in Comparative Literature*, 14 (1), 1-17.



© The Author(s).

DOI: 10.22126/JCCL.2023.9143.2498

Publisher: Razi University



Extended Abstract

Introduction:

In the Islamic period, the influence of Muslim-Arab political institutions in Iran's borders has led to the mutual impact of the politics, culture and literature of the two nations. Furthermore, it has led to the emergence of prominent scholars, scientists and writers who are unique in their kind, even by today's standards. Among the prominent writers of Persian and Arabic literature, we can mention Nizami Arouzi and Abu Bakr Souli. In *Chahar Maqale*, Nizami Arouzi introduces the duties of four important classes in the political apparatus of the government, one of which is specific to writing and its conditions and attributes. Abu Bakr Souli also discusses the importance of secretary's duties in the political system in *Adab al-Kutab*.

Among the schools of comparative literature, the names of two schools are prominent. French school and American school. In the French school, the issue of influence is of utmost importance, and in the American school, the commonalities and differences of literary works are discussed regardless of the issue of impact and impression have been given the highest priority. This research is an attempt to identify the similarities and distinctions of these two literary works regarding the characteristics and conditions of writing, regardless of their influence and impression via examining the two works of Nizami Arouzi and Abu Bakr Souli based on the American school of thought.

Method:

This research is based on the analytical descriptive method and the French school of thought for comparative literature. Furthermore, it reviews the characteristics and conditions of the authors in the *Adab al-Kutab* by Souli and *Chahar Maqale* by Arouzi Samarkandi and the similarities and differences of these two works.

Results and Discussion:

The conventional and accepted methods of writing in these two works are based on the fact that both writers have common opinions in alignment with the observance of the writing principles such as observing politeness, knowing the people of the time, and respecting the elders. However, due to the existing cultural and social differences, they also have differences in the field of letter writing and writing methods. As an instance, Rouzi selects features and moral characteristics that cannot be seen in Souli's book.

Conclusion:

AbuBakr Souli shares common features with Nizami Arouzi, but this does not mean that the two authors were influenced by each other; Perhaps the influence of the culture of the two nations on each other's territory has caused similarities between the two, which can be considered and examined in addition to the differences in these teachings. Nizami Arouzi selects the characteristics and moral qualities that are not observed in Abu Bakr Souli and, on the other hand, he chooses characteristics that are related to his nature, innate intelligence, and moral qualities. In case a writer is not a respectable, intelligent, and thoughtful person and

chooses the job of writing merely for earning money, he will not succeed in his career. From Abu Bakr Souli's perspective, there are also principles in the art of calligraphy and writing that Arouzi did not mention. Principles such as the necessity of calligraphy and choosing a good font, selecting a good and suitable compound, paper, and pen, how to seal the letter, and last but not least, editing and revising the letter after finalizing it.





بررسی تطبیقی صفات و شرایط دبیران در ادب‌الکتاب صولی و چهار مقاله نظامی

حمید آقاجانی^۱ | فاطمه کریمی^۲

۱. نویسنده مسئول، حمید آقاجانی، استادیار ستاد وزارت عتف، تهران، ایران. رایانامه: hamid.aghajani@msrt.ir
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: f.karimi@litr.basu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

شرایط سیاسی و اجتماعی ملل مختلف همواره دو شریان مهم در انتقال فرهنگ و ادبیات به قلمرو یکدیگر بوده است. در دوره اسلامی نفوذ دستگاه‌های سیاسی اعراب مسلمان در مرزهای ایران، سبب شد که به صورت خودکار سیاست، فرهنگ و ادبیات دو ملل بر یکدیگر اثر بگذارد و عالمان، دانشمندان و ادیبانی فرهیخته ظهور یابند که امروزه نیز در نوع خود منحصر به فردند. از ادبای کم‌نظیر دو ادبیات فارسی و عربی می‌توان به نظامی عروضی و ابوبکر صولی اشاره کرد. نظامی از مؤلفان شناخته شده ادبیات فارسی کوشیده در چهار مقاله وظایف چهار طبقه مهم در دستگاه سیاسی حکومت را معرفی کند که یکی از این طبقات مختص به دبیری و شرایط و صفات آن است. همچنین ابوبکر صولی در کتاب، ادب‌الکتاب، کوشیده به اهمیت وظایف دبیر در دستگاه سیاسی پردازد. وی در آموزه‌های خود وجوه اشتراکی با نظامی عروضی دارد که البته این بدان معنا نیست دو مؤلف از یکدیگر اثر پذیرفته‌اند؛ چه بسا نفوذ فرهنگ دو ملل در قلمرو یکدیگر سبب شده تشابهاتی در آموزه‌های ایشان یافت شود که در کنار وجوه افتراق این تعالیم، قابل تأمل و بررسی است. بنابراین پژوهش پیش‌رو کوشیده در چشم‌اندازی تطبیقی و با هدف شناخت همگونی‌ها و ناهمگونی‌های این دو اثر، آنها را مورد نقد و تطبیق قرار دهد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

واژه‌های کلیدی:

ادب‌الکتاب،
ابوبکر الصولی،
چهار مقاله،
نظامی عروضی،
ادبیات تطبیقی.

استناد: آقاجانی، حمید؛ کریمی، فاطمه (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی صفات و شرایط دبیران در ادب‌الکتاب صولی و چهار مقاله نظامی. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۴ (۱)، ۱-۱۷.



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JCCL.2023.9143.2498

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

ادبیات تطبیقی شیوه‌ای است که در آن، به محک‌زنی فرضیات و به نحوه سؤال و پرسش متون می‌پردازند. (شورل، ۱۳۸۶: ۲۴) و رشته‌ای است با گرایش و قابلیت ارتباط‌سازی با دیگر رشته‌ها. در کنار رشته‌هایی که در نظر دارند به بهره‌برداری تام و تمام یک حوزه کاملاً مشخص بپردازند، ادبیات تطبیقی بیشتر از طریق بین‌حوزه‌ای اقدام می‌کند: زبان‌شناسی، ادبیات و هنرها، ادبیات و تاریخ و غیره. (همان، ۱۸۴) در بین مؤلفه‌های ادبیات تطبیقی نام دو مکتب مطرح است. مکتب فرانسه و مکتب آمریکایی. در مکتب فرانسه مسئله تأثیر و تأثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهشگران این حوزه وقتی به روابط ملل مختلف با ادبیات ملی می‌اندیشند، ناخودآگاه عنصر تأثیر و تأثر، خود را نشان می‌دهد. مفهوم عمده در این تعریف «بررسی روابط ادبی بین دو یا چند ادبیات ملی است». (ولک، ۱۳۷۳: ۱۴۲) نقطه مقابل این مکتب، مکتب آمریکایی است که آثار ادبی را صرف نظر از پدیده اثرگذاری و اثرپذیری نقد و تحلیل می‌کند. ادبیات تطبیقی در آمریکا به جنبه‌های گسترده‌تری [نسبت به مکتب فرانسه] می‌پردازد. نزد محققان این فن، ادبیات تطبیقی در برگیرنده تمام پژوهش‌های تطبیقی بین ادبیات مختلف یا بین ادبیات و سایر هنرها به طور خاص بوده و بین آنها و دیگر معارف بشری به طور عام انجام می‌پذیرد و ممکن است ادبیات تطبیقی در آمریکا جنبش رمانتیسیم در شعر و موسیقی را هم بررسی کند. (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵)

یکی از مهم‌ترین کتب دبیری در زبان و ادبیات فارسی *چهارمقاله نظامی عروضی* است. *چهارمقاله* آن‌چنان که از نامش پیداست به تشریح چهار مقالت می‌پردازد؛ مقالت اول در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل، مقالت دوم به ماهیت شعر و صلاحیت شاعر، مقالت سوم به علم نجوم و غزارت منجم و مقالت چهارم به علم طب و هدایت طبیب می‌پردازد. از بین این *چهارمقاله*، آنچه در این پژوهش مطمح نظر است بررسی مقالت نخست مؤلف و تطبیق آن با مؤلفه‌های کتاب *ادب‌الکتاب* ابوبکر صولی است. *ادب‌الکتاب* نیز از سه بخش تشکیل شده که در بخش نخست به فضل نویسندگی و پیدایش آن در زبان عربی و روش آغاز نمودن کلام می‌پردازد. در بخش دوم ویژگی‌های قلم، مرکب و کاغذ مورد استفاده را معرفی می‌کند و در بخش سوم بر لزوم ایجاز‌گویی در آغاز و مقدمه نامه و فنون مکاتبه با دوستان تأکید می‌ورزد و برخی قواعد صرف عربی را یادآور می‌شود.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

با توجه به شباهت سنت دبیری در دو دوره عباسیان و غزنویان، همگونی‌هایی در آثار دو مؤلف به چشم می‌خورد که شامل رعایت ادب نویسنده در حین مکاتبت، حرمت نهادن به اربابان و محتشمان، برگزیدن عنوان مناسب برای متن، ایجاز در سخن و مواردی از این قبیل. و همچنین در زمینه ناهمگونی‌ها، مباحث و قواعدی وجود دارد که غالباً مربوط به اصول رفتاری دبیر و چگونگی نگارش کتاب است. لذا پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با بررسی دو اثر نظامی عروضی و ابوبکر صولی بر پایه مکتب آمریکایی به بازشناسی همگونی‌ها و ناهمگونی‌های این دو اثر ادبی در خصوص صفات و شرایط دبیری، صرف‌نظر از پدیده اثرگذاری و اثرپذیری بپردازد.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- دبیری در ادب الکتاب صولی و چهارمقاله نظامی عروضی باید از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار باشد؟

- همگونی‌ها و ناهمگونی‌های دو کتاب چهارمقاله و ادب الکتاب کدامند؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه دبیری و صفات دبیر تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته که شاخص‌ترین نمونه‌های آن عبارتند از:

مقاله «اصول دبیری چهارمقاله براساس مکاتبات و متون ادبی قدمای ما» از عباسقلی محمدی و همکاران. در این مقاله کوشش شده امتیاز کار نظامی عروضی در حوزه دبیری تبیین شود و نشان دهد که مؤلف اصول کار خود را از ایران کهن برگرفته و سپس به دوره اسلامی رسیده است. همچنین این پژوهش شاخصه‌های دبیری در مقاله نظامی عروضی را معرفی می‌کند. مقاله دیگری در دسترس است با عنوان: «دبیر و دبیری در ایران اسلامی»، این پژوهش را هاشم رجب‌زاده‌زاد دانشگاه‌ساکا (ژاپن) انجام داده که در مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. رجب‌زاده‌زاد این پژوهش کوشیده با به دست دادن سابقه دبیری در ایران، ریشه کهن آن را آشکار سازد، بر این مبنا که در دوره اسلامی از دستگاه ایرانی وارد قلمرو سیاسی اعراب شده و آنها به تقلید از ایرانیان در ادارات خود دیوان انشاء تشکیل داده‌اند. مقاله دیگر «دبیر و دبیری در سده‌های چهارم و پنجم هجری» به قلم فاطمه مدرسی و عادل بهنام است که به نوبه خود حائز اهمیت است. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند با برشمردن معانی متعدد دبیری، آن را ریشه‌شناسی نموده و دبیران دولتی را برشمردند و مقام هر کدام را بیان کنند، اما در این حوزه به تحلیل و بررسی اثری در زمینه دبیری نمی‌پردازند. مقاله دیگری در حوزه دبیری در قلمرو

عباسیان با عنوان «نقش دبیران ایرانی در تحول نظام اداری عباسیان» به قلم فهیمه فرهمند و محبوبه فرخنده‌زاده در دسترس است که کوشیده نشان دهد که با نفوذ فرهنگ اسلامی در ایران، چگونه فرهنگ ایرانی نیز به ویژه در حوزه سیاست وارد فرهنگ عربی-اسلامی شد و تشکیلات سیاسی و اداری آن‌ها را دگرگون ساخت. این پژوهش همچنین به نفوذ ایرانیان به دستگاه اداری خلافت عباسی می‌پردازد، که کاتبان نقش و سهم تاثیرگذاری در این عرصه داشتند.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است و با تکیه بر مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه، صفات و شرایط دبیران در *ادب الکتاب صولی و چهار مقاله نظامی و همگونی‌ها و ناهمگونی‌های این دو اثر را* صرف نظر از پدیده اثر گذاری و اثر پذیری مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

در دوره غزنویان، به منشی شاه و خواننده فرمان‌ها و نامه‌ها در محضر شاه «دبیر» می‌گفتند، و به هر یک از نویسندگان دیوان رسالت و رئیس دارالانشاء-صاحب دیوان رسالت- دبیر گفته می‌شد. (مدرسی، بهنام، ۱۳۸۶: ۱۰۲) نظامی عروضی در مقاله اول در تعریف دبیری می‌نویسد: «صناعتی است که مشتمل بر قیاسات خطابی و بلاغی منتفع در مخاطباتی که میان مردم است بر سیل محاورت و مشاورت و مخاصمت، در مدح و ذم و حیل و استعطاف و غرا و بزرگ گردانیدن اعمال و خرد گردانیدن اشغال و ساختن وجوه عذر و عتاب و احکام وثاق و اذکار، و ظاهر گردانیدن ترتیب و نظام سخن در هر واقعه تا بر وجه اولی و احری ادا کرده آید.» (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۱۹-۲۰) بنابراین، «از سخن وی پیوندی که میان نویسندگی و هنر خطابت و بلاغت است آشکار می‌گردد. می‌دانیم که در فن سوم خطابه یا رطوریقای ارسطو از قواعد بلاغت و در دو فن دیگر آن از مواد و موارد خطابه بحث شده است. پس ارسطو نخستین کسی خواهد بود که فن بلاغت و خطابت را تدوین نموده است. و شاید بتوان گفت که ریشه علم بلاغت در محیط اسلامی از خطابه ارسطو است.» (دانش پژوه، ۱۳۴۹: ۴۰).

مؤلف دیگری که در این مقاله به اثر او خواهیم پرداخت ابوبکر بن یحیی الصولی است. وی به عنوان یکی از ادیبان و مورخان سرشناس ترک تبار عصر عباسی، در کتاب خود به توصیف ویژگی‌های دبیری مطابق با رسم آن دوره می‌پردازد که همگونی‌ها و ناهمگونی‌هایی در محتوای آن با *چهارمقاله نظامی عروضی* دیده می‌شود. در ارتباط با شیوه مرسوم ادبی دوره عباسی باید گفت: «انقلاب دوره عباسی تأثیری شگرف در افکار و عقاید مردم به وجود آورده بود، در زمینه ادبیات نیز دگرگونی

پراهمیتی ایجاد کرد. تشکیلات بزرگ حکومتی و توسعه مناطق تحت نفوذ خلفا و همچنین اختلاف و آزادی مذاهب و عوامل دیگر، باعث شد که نثر علاوه بر دفتر نویسی و انشای رسائل، که تنها مقاصد نثر دوره اموی بود، در زمینه‌های دیگر نیز از قبیل تألیف و ترجمه و مقالات و مقامات و عهود و مناظره و نامه‌های مختلف مانند تبریک و امتنان و تسلیت و غیره، پیشرفت و توسعه پیدا کرد.» (بهروز، ۱۳۵۹: ۲۰۸) به دنبال پیشرفت ادبی، در این دوره چندین شیوه نویسنده‌گی رایج شد که یکی از این شیوه‌ها به پیشوایی جاحظ بود و «از اختصاصات این سبک می‌توان تقطیع جمله به قسمت‌های مختلف مقفی و مرسل و کثرت اطناب در الفاظ و جمله‌ها و آمیزش با شوخی و مزاح برای رفع خستگی و ملال خواننده و آوردن جمله‌های معترضه و عالی را نام برد. ابن قتیبه (متوفی در ۳۳۵هـ) و مُبرّد (متوفی در سال ۲۸۶هـ) و صولی (متوفی در ۳۳۵هـ) از این طبقه‌اند.» (همان، ۲۰۹).

۲-۱. دبیر و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی و عربی

دبیر واژه‌ای است که در فرهنگ لغت معانی متعددی برای آن ذکر شده است. از جمله در لغت‌نامه دهخدا آمده، دبیر عبارت است از: نویسنده، منشی، کاتب، قلم‌زن، باسواد و... اکثر پژوهشگران این واژه را فارسی می‌دانند و برخی نیز آن را عربی دانسته‌اند. در لغت‌نامه دهخدا در این خصوص آمده: «دبیر در اصل «دوبیر» بود بضم دال. چه، «بیر» به معنی حافظه است و منشی هم صاحب دو حافظه نظم و نثر می‌باشد و در نزد بعضی دبیر به فتح، معرب همین دوبیر است. دبیر و دوبیر نویسنده نامه و در اصل دوبیر و دوویر بوده و نیز «ویر» به معنی حافظه است؛ یعنی آنکه حافظه نظم و نثر دارد... ممکن است که دوویر (بضم دال و کسر واو) فارسی باشد و دبیر (به فتح دال و کسر بای موحده) معرب آن باشد.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ماده ادب)

پورد اوود در ارتباط با ریشه این لفظ می‌گوید: «خط‌هایی که از زمان کهن در ایران رواج داشته، از خط میخی و آرامی و پهلوی گرفته تا خط اوستایی هیچ یک بومی این دیار نبوده، همه از مرز و بوم و از کشورهای همسایه به این سرزمین رسیده است خود واژه دبیری که به معنی نوشته و خط است از لغت‌های عاریتی زبان ایران باستان است: از زبان بابلی به فرس هخامنشی درآمده و از آن زبان به پهلوی رسیده و از پهلوی در فارسی به یادگار مانده است... می‌توان گفت از روزی که خط میخی از سرزمین بابل به ایران رسیده واژه دبیری نیز در زبان همان زمان درآمده، چه به این کلمه از شش سده پیش از میلاد مسیح در فرس هخامنشی برمی‌خوریم و در سنگ‌نبشته‌های هخامنشی چندین بار به هیئت

دیپی^۱ دیده می‌شود. داریوش (۴۸۶-۵۲۲) در سنگ‌نبشته بهستان (بیستون) گوید: تو که زین پس این دیپی بخوانی، کرده من تو را باور شود، آن را دروغ مپندار. (پورداوود، ۱۳۴۶: ۱۰۲-۱۰۹)

از همان ادوار کهن «دانش و بصیرتی که برای اداره امور دیوان‌ها و نوشتن نامه‌ها و اسناد مختلف در موضوع‌های گوناگون ضروری بود، رفته‌رفته کار دبیری را به آن پایه از اهمیت و اعتبار رساند که در دوران ساسانی نه تنها طبقه دبیران از طبقات ممتاز و از بزرگان کشور به حساب می‌آمدند، بلکه یکی از ارکان مهم دولت و عامل مؤثری در اداره امور مملکت به شمار می‌رفتند.» (محمدی ملایری، ۱۳۸۲: ۳۷) خواجه نصیرالدین توسی در اخلاق ناصری ارکان مدینه فاضله را به پنج رکن تقسیم می‌کند که در گروه دوم کسانی را قرار می‌دهد که «علوم کلام و فقه و خطابت و بلاغت و شعر و کتابت صنعت» (توسی، ۲۸۶: ۱۳۵۶) پیشه آنهاست؛ بدین جهت وی ایشان را «ذوالأسنة» می‌نامد، که دبیران در این زمره‌اند. الجهشیری در کتاب *الوزاء و الکتاب* در ارتباط با دستگاه دیوان در نظام سیاسی حکومت ایرانیان می‌گوید: «در اصفهان نوشته‌های قدیمی از خسروان (پادشاهان ایران) دیدم که در آنها برای امر خراج و عمران به عمال خود دستوراتی نوشته بودند... پادشاهان ایران نامه‌نویسان را ترجمان-های شاه می‌خواندند... و رسم بر این بود که نویسندگان جوان و کسانی که در دربار شاه تربیت یافته بودند، جمع‌آوری و به کار گماشته می‌شدند، و پادشاه به رؤسای نویسندگان خود فرمان می‌داد ایشان را آزمایش کند و هوش و استعدادشان را بسنجد؛ آن‌گاه هر کدام از ایشان که مورد پسند بود نامش به پادشاه عرضه می‌شد.» (الجهشیری، ۱۳۴۸: ۲۹-۳۰) همچنین پس از غلبه اعراب، از هر گروه و طبقه، در رده‌های اجتماعی قلمرو اسلام جایگاه نازل‌تری داشتند. از آنجا که بیشتر آنهایی که از دیوان سالاران بودند و از آن میان، دبیران و وزیران و مستوفیان و منشیان از مالیات معاف شناخته می‌شدند، اینان نیز، همچون دیگر مردم مغلوب، ناگزیر بودند که یا به اسلام در آیند یا بنده و به اصطلاح «موالی» نوحاکمان عرب شوند و به عنوان غیر مسلمان و «اهل جزیه» در کشور اسلامی گذران کنند. (رجب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۴)

اما در عصر غزنوی بنا به رسم کهن، دبیر از مقام و موقعیت فخیم و ویژه‌ای برخوردار بود. و در هر مکان و موقعیتی -اعم از رزم و بزم- که شاهان و صاحب‌منصبان حضور داشتند، وی نیز باید حضور می‌یافت و اسناد و مدارک حکومتی را چه محرمانه و چه غیر محرمانه ثبت و ضبط می‌کرد؛ آنچنان که در تاریخ بیهقی چنین رسمی را نیز در دربار ایشان می‌یابیم، که دبیران به خاطر منصب خود از مزایا و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند: «در آن روزگار حساب برگرفته‌شد. مشاخره همگان هر ماهی هفتاد

هزار درم بود. کدام همت باشد برتر از این؟ و دبیرانی که به نوبت آمده بودند و مشاهره نداشتند، پس از آن عملها و مشاهره یافتند.» (بیهقی، ۱۳۷۰: ۱۴۶) دبیر در منصب خود قواعد و الزاماتی را می‌بایست رعایت می‌کرد که نظامی عروضی در حین برشمردن ضرورت سجایای اخلاقی در وی، بدین نکته اشاره می‌کند: دبیر باید «عرض مخدوم را از مواضع نازل و مراسم خامل محفوظ دارد...» (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۲۰) یک روی این سخن به سخن پیشین بر می‌گردد؛ به این معنا که چون دبیر در تمام مواضع محرمانه و غیر محرمانه دربار آگاه است، در هیچ موضعی مجاز نیست که عرض مخدوم را خدشه‌دار کند، ولو اینکه دشمن شود.

در پیشینه دبیری و دیوان سالاری الجهشیاری در کتاب *الوزاء و الکتاب* چنین سخن می‌راند که ابتدا ایرانیان پایه‌گذار این دستگاه اداری بودند و اعراب به تقلید از ایشان آن را در نظام سیاسی خود تأسیس کردند: «... مردی برخاست و [خطاب به عمر بن الخطاب] گفت: یا امیرالمؤمنین! من عجم‌ها را دیده‌ام برای خود دیوانی ترتیب داده‌اند. گفت: دیوان‌هایی تشکیل بدهید.» (الجهشیاری، ۱۳۴۸: ۴۴) «عصر عباسی عصر مطالعه کتاب بود که رنگ آمیزی‌های زیبای فکر و ذوق و معرفت ایرانی در بیشتر رشته‌های ادب و علوم آن روزگار و چه به شیوه تالیف جلوه خاصی داشت و تاریخ و تفسیر و ترجمه و لغت و فلسفه و دبیری به بالاترین قله خود رسیده بود.» (همان، ۵) «در دوره عباسیان ایرانیان ابتدا عملاً در حکومت با خلفا شریک و بعد از چندی بر خلفا کاملاً مسلط شدند، تا حدی که بعضی از معاصرین بنی‌عباس، آنان را ساسانیان مسلمان می‌خوانند و برخی از مورخین چون گروسه، تاریخ این سلسله را با عنوان دوره ایران معرفی می‌کنند.» (نصر، ۱۳۵۰: ۲۳۳) دبیر در عصر عباسی نیز مقام ویژه‌ای داشت. اولین دبیران در جامعه عرب اسلامی، «علی بن ابیطالب علیه‌السلام و عثمان بن عفان بودند که نویسندگان وحی بودند.» (الجهشیاری، ۱۳۴۸: ۴۱) اما در عصر عباسی «در دیوان‌ها معمول بود که کارها را در اوراق ثبت می‌کردند. «خالد» نخستین کسی بود که ثبت در دفاتر را معمول کرد و از خاصان «ابوالعباس» شد و مقام وزارت را احراز نمود.» (همان: ۱۲۵) خلفای عباسی مانند دیگر خلفای اسلام دبیران خود را از بهترین نویسندگان انتخاب می‌کردند و کوشش داشتند که مراسلات آنان کوتاه و پر معنی باشد و یکی دیگر از نمونه‌های آن گونه نامه‌ها این است که هنگامی که مأمون به دبیر خود عمروبن سعده فرمان داد به یکی از عمال سفارشنامه‌ای درباره خود آن دبیر بنویسد، دبیر چنین نوشت: «نامه من به تو نامه کسی است که به گیرنده نامه اطمینان دارد و به کسی که سفارش او شده علاقمند است و البته نامه‌ای که مورد علاقه و اطمینان است به هدر نخواهد رفت» (زیدان، ۱۳۷۲: ۴۸۸).

۲-۲. نظامی عروضی

مؤلف کتاب چهارمقاله ابوالحسن نظام‌الدین (یا: نجم‌الدین) احمدبن علی سمرقندی معروف به نظامی عروضی از شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری است... وی در خدمت ملوک غوری آل شنسب به سر می‌برده و چنانکه خود تصریح کرده سال‌ها به مدح آن پادشاهان اختصاص داشته و کتاب خود را به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی‌بن فخرالدین مسعود برادرزاده ملک شمس‌الدین محمدبن فخرالدین مسعود پادشاه معروف غوری نوشته است. از احوال نظامی عروضی اطلاع کافی در دست نیست. گویا در اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافته و مدتی از جوانی خود را در مولد خویش، سمرقند به کسب علوم مشغول بوده است. سپس در بین سال‌های ۵۰۴ و ۵۰۶ به خراسان رفت زیرا در سال ۵۰۴ در سمرقند از دهقان ابورجا اطلاعاتی درباره رودکی کسب کرده و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت عمر خیام رسید و در سال ۵۱۰ در طروق طوس خدمت معزی را درک کرد و شعر خود را بر او عرضه داشت و در همین اوان گویا به خدمت آل شنسب اختصاص یافت. (صفا، ۱۳۶۹: ۹۶۱-۹۶۲) کتاب چهارمقاله که مهم‌ترین اثر وی است «اسم اصلی آن مجمع‌النوادر استف مشتمل بر چهار مقاله در بیان شرایط چهار طبقه از ندماء سلاطین یعنی دبیران و شاعران و منجمان و طبیبان. نویسنده در مقدمه هر مقاله با انشائی مزین و مصنوع شرایط و دربايست‌های هر یک از این فنون و مقدماتی را که برای صاحب فن است ذکر می‌کند و ذکر این شرایط را تا آخر مقاله ادامه می‌دهد و برای اثبات هر یک از نظرهای خود به آوردن حکایت یا حکایت‌هایی مبادرت می‌جوید که راجع است به احوال و اختصاصات رجال بزرگ که در آن فن مشهور و مرزوق بوده و در خدمت سلاطین جاه و مرتبت داشته‌اند. به همین دلیل چهارمقاله علاوه بر آنکه جنبه یک کتاب انتقادی متقن درباره هر یک از چهار فن مذکور و اصحاب آنها دارد، دارای یک اهمیت بسیار زیاد دیگری نیز در تاریخ ادب پارسی است و آن احتواء بر اطلاعات ذیقیمت تاریخی بسیار است که در کتب دیگر پارسی کمتر می‌توان یافت... تألیف کتاب مجمع‌النوادر یا چهارمقاله باید در حدود سال ۵۵۱-۵۵۲ صورت گرفته باشد چه هنگام تألیف آن سلطان سنجر (م. ۵۵۲) در حیات بوده.» (همان، ۹۶۱).

نظامی عروضی در خصوص دبیری می‌نویسد: «دبیری صنعتی است مشتمل بر قیاسات خطابی و بلاغی، منتفع در مخاطباتی که در میان مردم است بر سییل و مشاورت و مخاصمت، در مدح و ذم و حیل و استعطاف و اغراء و بزرگ گردانیدن اعمال و خرد گردانیدن اشغال و ساختن وجوه عذر و عتاب و احکام وثاق و اذکار سوابق، و ظاهر گردانیدن ترتیب و نظام سخن در هر واقعه تا بر وجه اولی

و احرى ادا کرده آید.» (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۲۰) بنابراین وی -همچنان که در ادامه خواهیم گفت- در برگزیدن صفات و شرایط دبیری می گوید: دبیر باید «کریم الاصل، شریف العرض، دقیق النظر، عمیق الفکر، ثاقب الرأى باشد، از ادب و ثمرات آن، قسم اکبر و حظّ او فر نصیب او رسیده باشد...» (همان، ۲۰) که اگر چنین نباشد، دبیر شایستگی مقام خویش را به دست نخواهد آورد.

۳-۲. ابوبکر صولی

ابوبکر محمدبن یحیی بن عبد الله الصولی که به خاطر مهارت در شطرنج به الشطرنجی هم نامبردار است. او هم عصر و ندیم سه تن از خلفای عباسی الراضی، المکتفی و المقتدر بود و از بزرگترین ادیبان عصر خود به شمار می رفت و در سال ۳۳۵ هجری در بصره در گذشت. از او آثار پرشماری بر جای مانده که معروفترین آنها *ادب الکتاب*، اخبار ابی تمام و الاوراق فی اخبار آل عباس و اشعارهم است (ر.ک: الفاخوری، ۲۰۰۵: ۵۸۹). *الصولی ادب الکتاب* را در دوره خلیفه عباسی الراضی بالله نوشت و این کتاب با وجود حجم اندک مشتمل بر نکات نغز و مباحث مهم در خور تقدیری دارد (الصولی، مقدمه مصحح، ۱۳۴۱ق: ۱۱). صولی از شعرای بنام ادبیات عربی به شمار نمی رود ولی با این حال اشعار نغزی از او به جای مانده که نشان از ذوق و قریحه شاعری اوست و ابن ندیم برخی از آنها را در فهرست آورده است (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲۴۸ و ۲۴۹، *الصولی*، مقدمه مصحح، ۱۳۴۱ق: ۱۵-۱۸). خود الصولی در مقدمه *ادب الکتاب* درباره هدف نگارش این کتاب می گوید: «این کتاب را برای پاسخ به نیاز نویسندگان و دبیران حرفه‌ای و مبتدی نوشتم و دربردارنده تمام نکاتی است که این طبقه بایستی بدانند تا با تکیه بر آن از سایر کتب بی نیاز شوند. کتاب را به سه بخش تقسیم نمودم و آن را *ادب الکتاب* نامیدم که به حق این نام زیننده این کتاب است» (الصولی، ۱۳۴۱ق: ۲۰).

۴-۲. همگونی‌های اصول دبیری از منظر نظامی و صولی

دو کتاب *ادب الکتاب* و *چهارمقاله* مهم‌ترین منابع برای استخراج اصول دبیری و نویسندگی در سده‌های چهارم- پنجم هجری به شمار می روند. این دو کتاب بر حسب شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و تاریخی خود اصول و مؤلفه‌هایی را برای فن دبیری برشمرده‌اند که در برخی موارد مشابه و در برخی دیگر ناهمگون و منحصر به فرد است. هر دو نگارنده در ارتباط با رعایت اصول مکاتبه مانند: رعایت ادب، شناخت مردم زمانه، حرمت نهادن به محتشمان، تناسب عنوان با متن، ایجاز و... نظراتی مشترک دارند.

۱-۴-۲. ادب‌ورزی در مراسلات

رعایت ادب^۱ در روزگاران قدیم یکی از مهم‌ترین اصول دبیری و نامه‌نگاری در میان دبیران دربارها بوده است. دبیری که در اصول نامه‌نگاری خود ادب را رعایت نکرده باشد و از واژگان سخیف و نه-برازنده مخاطب استفاده کند در چشم همگان حتی دبیران و منشیان دون‌مایه می‌نماید. چنانکه نظامی در چهارمقاله می‌گوید: دبیر باید «از ادب و ثمرات آن، قسم اکبر و حظ او فر نصیب تو رسیده باشد.» به این معناست که رعایت اصول و موازین نامه‌نگاری و دوری جستن دبیر از سخنان یاه و نه‌درخور مخاطب (شاه) از وظایف اوست.

ادب‌ورزی در نویسندگی و دبیری از منظر صولی از چنان جایگاهی برخوردار است که او بابتی با عنوان «الدعاء فی المکاتبة و ترتیبه و الزیادة و النقص فیہ» آورده و در آن بر لزوم دعا و درود فرستادن بر مخاطب در آغاز یا پایان کلام و لحن و اندازه آن با توجه به جایگاه مخاطب تاکید نموده است (ر.ک: الصولی، ۱۳۴۱ق: ۱۵۰-۱۵۹). و در اهمیت ادب‌ورزی و حُسن تعبیر و تاثیر آن در نامه‌ها و اوامر صادر شده از حاکمان و امیران به کارگزاران و زیر دستان از خلیفه نخست ابوبکر نقل می‌کند که نباید از ضمیر متکلم استفاده نمود و گفت «فعلث کذا أو فعلنا کذا: چنان کردم و چنین کردیم» بلکه باید در مکاتبات و توقیعات گفت: «فَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ كَذَا فَأَمْتَلُ مَا أَمَرُ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»

(ترجمه: امیر المومنین چنین کرد پس امثال امر می‌کنم و شیوه امیر المومنین را در پیش گیر) (همان: ۱۵۰). البته در ادامه توصیه می‌کند که آداب به‌گویی و ادب‌ورزی خضوع و فروتنی تام بدون در نظر گرفتن جایگاه مخاطب نیست و وزیر بایستی در به‌کارگیری الفاظ و تعابیر خود جایگاه و منزلت مخاطب را در نظر بگیرد و بر اساس آن واژگان خود را برگزیند: «یکاتبُ الوزیرُ الناسَ علی مقادیرهم و رتبهم فی السیفِ و القلمِ و منازلهم» (همان‌جا).

۲-۴-۲. شناخت علایق مردم زمانه خویش

مردم هر زمانه نسبت به مردم زمانه‌های پس و پیش از خود دارای عقاید و آداب و رسومی هستند که در دوره‌های دیگر یا نبوده یا نقش اساسی نداشته است. بنابراین دبیر موظف بود این عقاید و آداب و رسوم را به خوبی بشناسد و مطابق با آنها سخن براند و هرگز چیری ننگارد که در نظر مردم زمانه زشت و ناپسند آید.

۱. ادب در لغت به معنای دانش، هنر، حسن معاشرت، حسن محضر، اخلاق حسنه و نگاه داشتن خود از نکوهیده‌های کرداری و گفتاری است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ماده ادب)

ب) چهارمقاله: «مراتب ابناء زمانه شناسد.» یعنی دانستن و شناخت علایق و سلیاق و معروف و منکر زمانه و چیزهایی که مردم می‌خواهند و تمایل دارند در رابطه با آنها نوشته شود. دبیر چیزی ننویسد که سبب رنجش خاطر دیگران و به مضیق افتادن خود شود.

صولی نیز در باب «مکاتبة الإخوان» ضمن تاکید بر لزوم شناخت علایق و پاسداشت حرمت دوستان می‌گوید: «کاتب صدیقک بما يستحقُّ و اکتب الی صدیقک كما تکتب الی حبیبک»

(ترجمه: با دوستت به گونه‌ای که سزاوار است نامه‌نگاری کن و همان‌گونه که به یار می‌نویسی برای او هم بنویس) (الصولی، ۱۳۴۱ق: ۲۳۶). و در باب دیگری با عنوان «کیف یفتتحون کلامهم لیبارک لهم فیما یحاولون و یؤخروا علیه» بر آغاز سخن با نام و یاد خدا به عنوان سنت اسلامی و مورد اقبال مردم سخن می‌گوید (همان: ۳۳).

۳-۴-۲. احترام به ارباب حشمت

در ارتباط با ممدوح یا دشمن ممدوح یا هر کس دیگری هر که خواهد باشد، دبیر موظف است مقام و مرتبه خویش را به نیکی شناسد و در مراسلات خود چیزی ننویسد که به مقام و منزلت وی لطمه زند.

نظامی عروضی در این باب می‌گوید: «در اثناء کتابت و مساق ترسل بر ارباب حرمت و اصحاب حشمت نستیزد. و اگرچه میان مخدوم و مخاطب او مخاصمت باشد، او قلم نگاه دارد و در عرض او وقیعت نکند، الا بدانکس که تجاوز حد کرده باشد و قدم حرمت از دایره حشمت بیرون نهاده.» این همان چیزی است که به رعایت ادب نیز مربوط می‌شود. دبیر باید بداند که در هیچ شرایطی -الا به شرط تجاوز شخص مقابل از حد خود- مجاز نیست که شخصی محترم و صاحب مقام را حتی اگر ممدوحش او را دشمن دارد، با واژگان و سخنان بی‌حفاظ و ستیزنده خطاب کند و حرمت او را خدشه‌دار سازد.

صولی نیز بر لزوم رعایت احترام و پاس‌داشت حرمت مخاطب در مراسلات تاکید می‌ورزد حتی اگر او دشمن یا کافر باشد و در تایید این عقیده خود به روایتی از پیامبر اسلام (ص) استناد می‌کند که ایشان تاکید نموده در مراسلات خود به کفار سخن خود با سلام آغاز کنید: «و قد رُوي أَنَّهُ رَخَصَ فِي رَدِّ السَّلَامِ عَلَى الْكَافِرِ وَأَنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ كَتَبَ فِي آخِرِ كِتَابِهِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَلَامًا عَلَيْهِ فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْكَاتِبَ أَنْ يَرُدَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامَ»

(ترجمه: روایت شده که پیامبر (ص) اجازه دادند که به کافر سلام شود و یکی از کفار در پایان نامه خود به پیامبر (ص) بر او درود و سلام فرستاد و پیامبر (ص) نیز از دبیر خود خواست {در نامه خود} بر او سلام کند)

(الصولی، ۱۳۴۱ق: ۲۲۵).

و در جای دیگر می‌گوید: «قالوا و الكتاب إلى المسلم سلامً عليك فإنی أحمدُ الله الذی لا اله إلا هو و إلى غیر المسلم و السلامُ علی من اتبع الهدی کذا کتب رسولُ الله صلی الله علیه و سلم إلى هرقل عظیم الروم و إلى کسری و إلى مسیلمة الکذاب»

(ترجمه: گفته شده در نامه به مسلمان بگویند: سلام بر تو باد! حمد و سپاس خدایی را می‌گویم که آفریدگاری جز او نیست. و در نامه به غیر مسلمان بگویند: سلام بر کسی که از راه هدایت پیروی کند. پیامبر که درود و سلام خدا بر او باد نیز به هرقل پادشاه روم و خسرو پرویز پادشاه ایران و مسیلمه کذاب چنین نامه نوشت) (همان‌جا).

۴-۲. توجه به عنوان

عنوان هر اثر دروازه‌ای است برای نیل به متن آن اثر بنابراین نباید طول و تفصیل بیهوده، مانند نعت و ستایش‌های زیاد از حد در خطاب به مخاطب داشته باشد. علاوه بر این عنوان اگر نامفهوم باشد یا ارتباطی با متن پیدا نکند، به سبب پیچیدگی باعث سردرگمی مخاطب و از دست دادن ارزش متن نامه می‌شود.

در چهارمقاله آمده «در عناوین طریق اوسط نگاه دارد و به هر کس آن نویسد که اصل و نسب و ملک دو ولایت و لشکر و خزینة او بر آن دلیل باشد. الا به کسی که در این باره مضایقتی نموده باشد و تکبری کرده و خرده‌ای فرو گذاشته و انبساطی فزوده که خرد آن را موافق مکاتبت نشمرد و ملایم مراسلت نداند.» (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۲۱) این سخن می‌تواند در معنای پرهیز از افراط و تفریط در ثبت کیفیت عنوان نامه، و ارتباط آن با متن و ماهیت مخاطب باشد.

صاحب *أدب الکتاب* هم در اهمیت عنوان و عنوان‌بندی مراسلات می‌گوید: «العنوانُ العلامةُ کأنَّک علمته حتی عَرَفَ بذکر من کتبه و من کُتِبَ إليه»

(ترجمه: عنوان نامه به مثابه نشانه و علامت است و گویی با انتخاب عنوان علامتی روی آن نهاده‌ای تا معرف فرستنده و گیرنده نامه باشد) (الصولی، ۱۳۴۱ق: ۱۴۳). و در جایی دیگر بر نوشتن عنوان با خطی زیبا و متمایز تاکید کرده می‌گوید: «و الأحسنُ فی عنوان الکتاب إلى رئیس أن یُعْطَمَ الخَطُّ و یفَحِّمَهُ إذا ذُکرت کنیته أو نسبتُهُ إلى شیءٍ و أن تَلَطَّفَ الخَطُّ فی اسمک و اسم أیک و تجمعه»

(ترجمه: پسندیده است که در عنوان نامه‌ای که به رئیس {و ما فوق} نوشته می‌شود اگر کنیه و لقب او آورده می‌شود به خط درشت و زیبا نوشته شود و نام خود را نیز به همراه نام پدرت با خطی خوش در عنوان بنویسی) (همان: ۱۴۴).

۵-۴-۲. ایجاز

ایجاز یعنی بیان حداکثر معانی در ظرف حداقل الفاظ. از آنجا که دبیران درباری در سده‌های چهارم و پنجم و سده‌های دیگر وظیفه خطیری را بر عهده داشتند، می‌بایست تمام جوانب نامه‌نگاری از جمله ایجاز را در نگارش خود رعایت می‌کردند. ایجاز هرچه قوی‌تر باشد و به معانی بیشتری رهنمون باشد، باعث اعجاب بیشتری است؛ چه آنکه مخاطب اکثر نامه‌ها شاهان بودند رعایت کوتاهی سخن مهم‌تر از اطناب و یاوه‌گویی بود.

نظامی در این باب می‌گوید: «در سیاق سخن آن طریق گیرد که الفاظ متابع معانی آید و سخن کوتاه گردد، که فصحاء عرب گفته‌اند: «خیر الکلام ما قلّ و دلّ» زیرا هرگاه که معانی متابع الفاظ افتد سخن دراز شود و کاتب را مکثار خوانند.» معانی بسیار را در لفظ کم گنجاندن مهارت بسیار می‌خواهد و به علم کافی نیازمند است. بنابراین دبیر می‌بایست آنقدر کسب علم کند و با واژگان و مفاهیم آشنایی داشته باشد تا بتواند معانی بسیار را در لفظی مناسب بگنجانند.

ایجاز در نزد صاحب‌ادب‌الکتاب از چنان اهمیتی برخوردار است که بابتی را تحت عنوان «مدح الایجاز فی ابتداء المکاتبة و الجواب» آورده و در آن از اهمیت ایجاز‌گویی و پرهیز از اطناب مملّ سن می‌گوید: «لا تُنفق کلمتین إذا کففتک کلمة؛ اگر یک کلمه تو را کفایت می‌کند دو کلمه به کار نبر» (الصولی، ۱۳۴۱: ۲۳۰). در ادامه سخن خود به آیاتی از قرآن استناد می‌کند که خداوند در آنها به ایجاز سخن گفته است و از قول یکی از بزرگان توصیه می‌کند: «إن استطعتم أن تكون کُنُبکم توقیعاتٍ فافعلوا؛ اگر می‌توانید که نامه‌های خود را چون توقیعات کوتاه بنویسید این کار را بکنید» (همان: ۲۲۸). البته او در ادامه دبیران را از ایجاز محلّ پرهیز داده و می‌گوید: «هذا کُلّه یجوز مع الإفهام و المعرفة؛ این ایجاز‌گویی در صورتی جایز است که مقصود را برساند و معرفت‌بخش باشد» (همان: ۲۳۱).

۵-۲. ناهمگونی‌های اصول دبیری از منظر دو نویسنده

ورای برشمردن اشتراکات نظر دو مؤلف، بر اساس تفاوت فرهنگی و اجتماعی، ناهمگونی‌هایی در زمینه نامه‌نگاری نیز به چشم می‌خورد. نظامی در چهارمقاله برای شخص دبیر، ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی برمی‌گزیند که در کتاب صولی به چشم نمی‌خورد. او برای دبیر خصوصیات برمی‌گزیند که مربوط به فطرت و هوش ذاتی و سجایای اخلاقی دبیر است. دبیر اگر شخصی آبرومند، هوشمند و نکته‌سنج نباشد و شغل دبیری را صرفاً برای کسب درآمد و از روی اجبار برگزیند، در حرفه خود موفق نخواهد بود. مؤلف در کتاب خود ویژگی‌های فطری و اخلاقی دبیر را چنین برمی‌شمرد:

«دبیر باید که کریم‌الاصل، شریف‌العرض، دقیق‌النظر، عمیق‌الفکر، ثاقب‌الرأی باشد و به حطام دنیوی و مزخرفات آن مشغول نباشد، به تحسین و تقییح اصحاب اغراض التفات نکند و غره نشود، عرض مخدوم را در مقامات ترسل از مواضع نازل و مراسم حامل محفوظ دارد، از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد، مقادیر اهل روزگار داند.» (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۲۰)

همچنین نظامی بر لزوم دانش‌اندوزی و افزایش سطح دانش دبیر تاکید می‌ورزد و از نظر او دبیر تا زمانی که ذهن خود را مانند مخزنی سرشار از علوم و معانی گوناگون نکند نمی‌تواند انتظار ارائه معانی دقیق، سنجیده و پر مغز داشته باشد. یک‌نامه زمانی در نظر مخاطب برجسته و شگفت می‌نماید که نگارنده آن با علم و آگاهی به مخزن واژگان دست برده باشد و بهترین و مناسب‌ترین آنها را مطابق حال و محل برگزیند. او در این خصوص می‌گوید: «سخن دبیر بدین درجه نرسد تا از هر علم بهره‌ای ندارد و از هر استاد نکته‌ای یاد نگیرد و از هر حکیم لطیفه‌ای نشنود و از هر ادیب طرفه‌ای اقتباس نکند.» به خصوص مطالعه دبیر باید در زمینه کتب سلف باشد. نظامی عروضی در این کلام معتقد است که دبیر تا از هر نوع علم - علی‌الخصوص علوم دینی - بهره‌ای نگیرد به درجه‌اعلای دبیری نخواهد رسید. در کتاب صولی نیز، اصولی در فن کتابت و دبیری دیده می‌شود که نظامی عروضی در چهارمقاله بدان‌ها اشاره نکرده است؛ اصولی همچون لزوم خوشنویسی و اختیار خط نیکو، انتخاب مرگب، کاغذ و قلم نیکو و مناسب، نحوه مهر و موم کردن نامه، ویرایش و تنقیح نامه بعد از فراغت از نگارش آن.

۳. نتیجه‌گیری

دبیری شغلی است با سابقه که در ادوار کهن در دستگاه‌های سیاسی ایران جایگاه فخیم و ارزنده‌ای دارد. در طول زمان کار دبیری به پایه‌ای از اهمیت و اعتبار رسید که در دوران ساسانی نه تنها طبقه دبیران از طبقات ممتاز و از بزرگان کشور به حساب می‌آمدند، بلکه یکی از ارکان مهم دولت و عامل مؤثری در اداره امور مملکت به شمار می‌رفتند. در دوره اسلامی نیز شغل دبیری اهمیت خود را حفظ کرد و ابتدا ایرانیان پایه‌گذار این دستگاه اداری بودند و اعراب به تقلید از ایشان آن را در نظام سیاسی خود تأسیس کردند. در ادبیات فارسی و عربی دو مؤلف صاحب نام، یعنی نظامی عروضی و صولی، به ذکر ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی از دبیری می‌پردازند که در بعضی جهات همگون و در بعضی جهات ناهمگون هستند. همگونی‌های این شاخصه‌ها عبارتند از: ادب‌ورزی در مراسلات، شناخت علایق مردم زمانه خویش، احترام به ارباب حشمت، توجه به عنوان، ایجاز. ناهمگونی‌های دو اثر نیز قابل شمارش و البته حائز اهمیت‌اند. نظامی در چهارمقاله برای شخص دبیر، ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی برمی‌گزیند

که در کتاب صولی به چشم نمی‌خورد. او برای دبیر خصوصیات برمی‌گزیند که مربوط به فطرت و هوش ذاتی و سجایای اخلاقی دبیر است. دبیر اگر شخصی آبرومند، هوشمند و نکته‌سنج نباشد و شغل دبیری را صرفاً برای کسب درآمد و از روی اجبار برگزیند، در حرفه خود موفق نخواهد بود. در کتاب صولی نیز، اصولی در فن کتابت و دبیری دیده می‌شود که نظامی عروسی در چهارمقاله بدان‌ها اشاره نکرده است؛ اصولی همچون لزوم خوشنویسی و اختیار خط نیکو، انتخاب مرکب، کاغذ و قلم نیکو و مناسب، نحوه مهر و موم کردن نامه، ویرایش و تنقیح نامه بعد از فراغت از نگارش آن.

منابع

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- بهروز، اکبر (۱۳۵۹). تاریخ ادبیات عرب، تبریز: دانشگاه تبریز.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۰). تاریخ بیهقی، تصحیح قاسم غنی و علی اکبر فیاض، تهران: خواجه.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۴۶). فرهنگ ایران باستان، بخش نخست، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- توسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶). اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
- الجهشیری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس، (۱۳۴۸). کتاب الوزراء والکتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، با مقدمه زین‌العابدین رهنما، تهران: تابان.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۹). دبیری و نویسندگی، مجله هنر و مردم، شماره ۱۰۱، ۴۰-۴۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، ج. اول، تهران: دانشگاه تهران.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۵). دبیر و دبیری در ایران اسلامی، نامه فرهنگستان، شماره ۵.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.
- شورل، ایو (۱۳۸۶). ادبیات تطبیقی، ترجمه طهمورث ساجدی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج. دوم، تهران: فردوس.
- الصولی، ابوبکر محمد بن یحیی (۱۳۴۱). ادب‌الکتاب، بتصحیح بهجة‌الاثری، القاهرة: المطبعة السلفية بمصر.
- الفاخوری، حنا (۲۰۰۵). الجامع فی تاریخ الأدب العربی؛ الأدب القديم، بیروت: دار الجیل.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی (پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی)، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۲). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج. پنجم، تهران: توس.
- مدرسی، فاطمه، بهنام، عادل (۱۳۸۶). دبیر و دبیری در سده‌های چهارم و پنجم هجری، زمستان شماره ۱۶، ۹۷-۱۱۶.

نصر، سید تقی (۱۳۵۰). *ابدیت ایران*، تهران: چاپخانه تهران.

نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی، (۱۳۲۷). *چهار مقاله*، به تصحیح محمد قزوینی، شرح لغات به کوشش محمد معین، لیدن هلند: چاپخانه بریل.

ولک، رنه و وارن، آستین، (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

References

- Al-Fakhoori, H. (2005). *Mosque in Arabic Literature History*; Al-Adab al-Qadim, Beirut: Dar al-Jail. (In Persian).
- Al-Jaheshiari, A. (1969). *The book of Ministers and Writers*, Translated by; Abul Fazl Tabatabai, With an Introduction by Zain al-Abedin Rahnama, Tehran: Taban Press.
- Al-Souli, A. (1922). *Adab Al-Kutab*, Revised by; Bahjat Al-Athari, Cairo: Al-Mutabaa Al-Safiyah. (In Persian).
- Behrouz, A. (1980). *History of Arabic Literature*, Tabriz: Tabriz University Publications. (In Persian).
- Beyhaqi, A. (1991), *History of Beyhaqi*, Revised by; Qasim Ghani and Ali Akbar Fayaz, Tehran: Khajoo Publishing House. (In Persian).
- Danesh Pajuh, M. (1970). *Secretary and Writer*, Art and People Magazine, No. 101. (In Persian).
- Dehhoda, A. (1998). *Dehhoda Dictionary*, 1st Volume, Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
- Ibn Nadim, M. (1961). *Al-Fehrest*, Translated by; Mohammad Reza Tejadod, Tehran: Asatir Publishing House. (In Persian).
- Kafafi, M. (2012). *Comparative Literature* (A study on the Theory of Literature and Narrative Poetry), Translated by; Seyyed Hossein Seidi, Mashhad: Astan-e Quds-e Razavi Publications. (In Persian).
- Modaresi, F. Behnam, A. (2007). Secretary in the 4th and 5th Centuries of Hijri, Winter No. 16.
- Mohammadi Malairi, M. (2003). The History of Iranian Culture During the Transition from the Sassanid Era to the Islamic Era, 5th Volume, Tehran: *Toos Publishing*. (In Persian).
- Nasr, S. (1971). *Eternity of Iran*, Tehran: Tehran Printing House. (In Persian).
- Nizami Arouzi. A. (1948). *Chahar Maqale*, Edited by; Mohammad Qazvini, Explanation of Vocabulary by Mohammad Moien, Leiden, Netherlands: Brill Printing House. (In Persian).
- Pordawood, E. (1967). *Ancient Iranian Culture*, 2nd Edition, Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
- Rajabzadeh, H. (1996). *Secretary in Islamic Iran*, Farhangistan Letter. (In Persian)
- Safa, Z. (1990). *History of Literature in Iran*, 2nd Volume, Tehran: Ferdous Publishing. (In Persian).
- Shurel, A. (2006). *Comparative Literature*, Translated by; Tahmourth Sajdi, 2nd Edition, Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Tosi, Kh. (1977). *Akhlaq Naseri*, Edited by; Mojtabi Minavi and Alireza Heydari, Tehran: Khwarazmi Publishing House. (In Persian).

Volk, R., Warren, A. (1994). *Literary Theory*, Translated by; Zia Mohed and Parviz Mohajer, Scientific and Cultural Publishing Center. (In Persian).

Zidan, J. (1993). *History of Islamic Civilization*, Translated by; Ali Javaherkalam, Tehran: Amirkabir Publishing Center. (In Persian).





خصائص وسمات الكتاب في أدب الكتاب للصولي وجهار مقالة للنظامي؛ دراسة مقارنة

حميد آقاجاني^١ | فاطمه كريمي^٢

١. الكاتب المسؤول، أستاذ مساعد بوزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا، طهران، إيران. العنوان الإلكتروني: hamid.aghajani@msrt.ir
٢. طالبة دكتوراه في اللغة الفارسية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة بوعلی سینا، همدان، إيران. العنوان الإلكتروني: f.karimi@ltr.basu.ac.ir

المعلومات المقال	الملخص
نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: ١٤٤٤/١٠/٢٩ التنقيح والمراجعة: ١٤٤٥/٠١/١٥ القبول: ١٤٤٥/٠١/٢١ الكلمات الدلالية: أدب الكتاب، أبوبكر الصولي، جهار مقالة، نظامي عروضي، الأدب المقارن.	لطالما كانت الظروف السياسية والاجتماعية للدول المختلفة شريطين مهمين في نقل الثقافة والأدب إلى أراضي كل منهما. في العصر الإسلامي، أدى تأثير المؤسسات السياسية العربية الإسلامية على حدود إيران إلى تأثير السياسات والثقافة والأدب في البلدين على بعضهما البعض تلقائياً وظهور العلماء المثقفين والكتاب الذين يتميزون بطريقتهم الخاصة. يمكن ذكر نظامي عروضي وأبو بكر الصولي من بين الكتاب الأفناذ في الأدب الفارسي والعربي. حاول نظامي، أحد أشهر كتاب الأدب الفارسي، أن يقدم واجبات أربع فئات مهمة في الجهاز السياسي للحكومة في جهار مقالة، إحدى هذه الفئات تختص بالكتاب وشروطه وخصائصهما حاول أبوبكر الصولي في كتابه "أدب الكتاب" مناقشة أهمية واجبات الكاتب في النظام السياسي. نجد في تعاليم الصولي سمات مشتركة مع نظامي، وهذا لا يعني بالطبع أن المؤلفين تأثر بعضهما البعض. ربما تسبب تأثير ثقافة الشعبين في أراضي كل منهما في ظهور أوجه تشابه في تعاليمهما، والتي يمكن دراستها والتحقيق فيها بالإضافة إلى الاختلافات بين هذه التعاليم. فمن ثم حاول هذا البحث نقدهما ومقارنتهما من منظور مقارن بهدف معرفة أوجه الشبه والاختلاف بين هذين العمليين.

الإحالة: آقاجاني، حميد؛ كريمي، فاطمة (١٤٤٥). خصائص وسمات الكتاب في أدب الكتاب للصولي وجهار مقالة للنظامي؛ دراسة مقارنة. بحوث في الأدب المقارن، ١٤ (١)، ١٧-١.



© الكتاب.

DOI: 10.22126/JCCL.2023.9143.2498

النشر: جامعة رازي